

[This question paper contains 4 printed pages.]

Sr. No. of Question Paper : 1305

F

Your Roll No.....

Unique Paper Code : 209303

Name of the Paper : Sufistic Literature Prose (Paper IX)

Name of the Course : B.A. (Hons.) Persian

Semester : III

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

Instructions for Candidates

1. Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.
2. Unless otherwise required in a question, answers may be written either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1- Translate any one of the following passages into English or Hindi or Urdu: 20

از متون زیر فقط یکی را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A).

آنکه هرچه بدان حاجتمد باشد در علم و دین وی را بیاموزد: که برادران را از آتش نگاه داشتن، اولیتر آنکه از رنج دنیا؛ و اگر بیاموخت و بدان کار نکرد باید که نصیحت کند و پند دهد، و وی را به خدای تعالی بترساند؛ لکن باید که این نصیحت در خلوت بود تا از شفقت باشد، که نصیحت برملا فضیحت بود و آنچه گویی به لطف گویی نه به عنف، که رسول علیه السلام می گوید: "مؤمن آئینه مؤمن بود، یعنی که عیب و نقصان خویش را از وی بداند." و چون برادر تو به شفقت عیب تو در خلوت با تو بگوید، باید که منت داری و خشم نگیری که این همچنان بود که ترا خبر دهد که در درون جامه تو ماری است یا کژدمی؛ از این سخن خشم نگیری بلکه منت داری و همه صفت های بد در آدمی مار و کژدم است. لیکن زخم آن در گور پدید آید، و زخم آن بر روح بود.

P.T.O.

(B)

سخن در آن افتاد که مریدان به زیارتِ پیرِ خود روند و هریکی بعد از چند گاه رود. بر لفظ مبارک راند که من سه کَرَت به خدمتِ شیخِ الاسلامِ فریدالحق والدینِ قدسِ الله سرّه العزیز رفته‌ام. هر سال یک یکبار، بعد از آنکه نقل فرمود: هفت بار دیگر رفته شده است یا شش بار نیکو یاد نمانده اما اغلب گمان است که هفت بار رفته شده است. چنانکه در خاطر همچنان مقرر است که در حیات و ممات دو بار رفته شده است بعد از آن فرمود که شیخ جمال‌الدین هفت بار رفته بود از هانسی. بعد از آن فرمود که شیخ نجیب‌الدین متوکل رحمه‌الله علیه اول بار که برفت وقتِ وداع از خدمت شیخ فاتحه درخواست کرد که همچنین که این بار آمده‌ام بار دیگر هم بیایم و سعادتِ دست‌بوس دریابم. شیخ فرمود که فاتحه خواندن حاجت نیست بارها خواهی آمد. بعد از آن هیژده بار دیگر بیامد. هژده بار که بازگشت فاتحه التماس نمود بر این نیت که اول بار که آمده بودم بر لفظ مبارک رفت که بارها خواهی آمد از آنگاه تا امروز نوزده بار شد.

(C)

و مثل دل چون حوضی است و مثل حواس چون پنج جوی است، که آب از وی به حوض آید، از بیرون. اگر خواهی که آب صافی از قعر حوض برآید، تدبیرِ آن است که این آب جمله از وی بیرون کنی. و گل سیاه که از اثر این آب است هم بیرون کنی، و راه همه جوی‌ها ببندی تا نیز آب نیاید، و قعر حوض همی کنی تا آب صافی از درونِ حوض پدیدار آید و تا حوض بدان آب که بیرون درآمده است مشغول باشد. ممکن نشود از درونِ وی آب برآید، همچنین این علم که از درونِ دل بیرون آید، حاصل نیاید. تا از هرچه از بیرون درآمده است خالی نشود. اما عالم اگر خویشتن را خالی کند از علم آموخته و دل بدان مشغول ندارد. آن علم گذشته وی را حجاب نباشد، ممکن بود که این فتح وی را برآید، همچنان که چون دل از خیالات گذشته وی را احجاب نکند.

2- Reproduce any two of the following in simple Persian:

20

از متون زیر دو را به زبان فارسی ساده بازنمایید:

(A)

لختی سخن در مشایخ کبار افتاد و ترقی درجات ایشان بر ابدال بر لفظ مبارک راند که مردی در خانقاه حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی قدس الله سره العزیز درآمد یکی را دید بر در خانقاه افتاده و دست و پای او شکسته و خراب شده. آن مرد پیش شیخ رفت و حکایت آن افتاده باز گفت و دعا درخواست. شیخ فرمود خاموش باش که او بی ادبی کرده است. آن آینده پرسید که او چه بی ادبی کرده است. شیخ فرمود که او یکی از ابدالان است، دوش او با دو یار دیگر بحکم طیرانی که ایشان راست در هوا می پریدند، چون بر سر این خانقاه رسیدند یکی بار او از خانقاه منحرف شد و بطریق ادب جانب راست شده گذشت، یار دیگر او نیز خانقاه جانب چپ شده گذشت این خواست که بی ادب بر بالای خانقاه بگذرد بیفتاد.

(B)

بر زبان است که در حق برادران نیکو گوید، و عیوب ایشان پوشیده دارد و اگر کسی در غیبت حدیث ایشان کند جواب ندهد و چنان انگار که وی از پس دیوار می شنود، چنانکه خواهد که وی باشد در غیبت او، وی نیز در غیبت او همچنان باشد و مدهانت نکند و چون سخن گوید بشنود، و با وی خلاف و مناظره نکند و هیچ سزا وی آشکار نکند اگرچه پس از وحشت بود که لئیم طبعی باشد و زبان از غیبت اهل فرزند و اسباب وی کوتاه دارد، و اگر کسی بر وی قدح کند با وی نگوید که رنج وی از رساننده بود و چون وی را نیکو گویند از وی پنهان ندارد که آن از حسد بود و اگر دروی تقصیری رود گله نکند و وی را معذور

دارد، و از تقصیر کند و بداند که اگر کسی طلب کند که دروی هیچ تقصیر نبود هرگز نیابد و آنگاه از صحبت خلق بیفتد.

(C)

این حکایت هم در آن محل فرمود که در خطه ناگور بزرگی بود او را حمیدالدین سؤالی گفتندی علیه‌الرحمه و الغفران، از او سؤال کردند که بعضی از مشایخ نقل می‌کنند و بعد از نقل ایشان هیچ کس نام ایشان نمی‌گیرد و بعضی چون نقل می‌کنند نام وصیت ایشان به اقصای عالم می‌رسد این تفاوت احوال از کجا است؟ جواب داد که آن در حالت حیات در اشتباه خود کوشیده است بعد از وفات او نام وصیت او مندرس می‌شود و آنکه در حالت حیات خود را پوشیده داشته است بعد از وفات نام وصیت او به همه جهان می‌رسد. لختی سخن در مشایخ کبار افتاد و ترقی درجات ایشان بر ابدال بر لفظ مبارک راند که مردی در خانقاه حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی قدس الله سره العزیز درآمد یکی را دید بر در خانقاه افتاده و دست و پای او شکسته و خراب شده. آن مرد پیش شیخ رفت و حکایت آن افتاده باز گفت و دعا درخواست.

- 3- Write a short note on Life of Imam Ghazali. 15
گزارش کوتاهی درباره احوال و زندگی امام غزالی بنویسید:
- 4- Write a brief sketch on Kimiya-e-Sa'adat: 10
گزارش مختصری بر «کیمیای سعادت» بدهید.
- 5- What are the Salient features of Fawaid-ul-Fawad? 10
مختصات «فوائد الفود» را بنویسید: